دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث‌پژوهی
سال ششم، شمارهٔ یازدهم، بهار و تابستان 1393
صفحه 181_206

بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی

عبدالرضا حمادی*
سید علیرضا حسینی**

◀ **چکیده:**
کتاب *کافی*، مهم‌ترین اثر برجای مانده از دورهٔ حدیث‌پژوهان پیشین به شمار می‌رود. این کتاب که دربردارندهٔ موضوعات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است، به سبب باب‌بندی قوی و دریافت احادیث، از مهم‌ترین نویسندگان حدیث شیعه، از آغازین روزهای عرضه، مورد استقبال جامعه علمی شیعه قرار گرفت. در این مقاله، به بازشناسی منابع کلینی در تدوین *کافی* پرداخته شده تا اتقان این کتاب روشن گردد، زیرا از نگاه قدما، صحت حدیث مبتنی بر دریافت آن از اصول مورد اعتماد اصحاب است. این پژوهش نشان می‌دهد که تجلیل بزرگان از *کافی* به دلیل اخذ روشمند کلینی از مهم‌ترین کتب اصحاب است و اعتبارسنجی احادیث *کافی* به روش حوزهٔ حله با روش کلینی در تدوین کتاب خویش هم‌خوانی ندارد و لازم است در راستای اعتبارسنجی روایات کتب پیشینیان، منابعی که مؤلفان، احادیث کتاب خود را از آن‌ها دریافت کرده‌اند، شناسایی و ارزش‌گذاری شود.

◀ **کلیدواژه‌ها:** **تدوین کافی، منابع کلینی، منابع مکتوب شیعه، روش قدما در تدوین احادیث.**

* کارشناس ارشد علوم حدیث (گرایش کلام)/ hammadi.a.r@gmail.com
** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث/ sahoseini14@gmail.com

درآمد

کتابت از مهم‌ترین مؤلفه‌های حفظ فرهنگ و میراث بشری به شمار می‌رود. سنت الهی بر حفظ میراث وحی از طریق نوشتار بوده[1] و پیامبران صاحب کتاب بر نوشتن این میراث تأکید داشته‌اند. این سنت در مکتب اسلام، نمودی ویژه دارد و رسول خدا افرادی را مأمور به کتابت وحی کرد.(معرفت، 1429ق، ج1، ص122) علاوه بر آن، احادیث متعددی از خاتم پیامبرانﷺ مبنی بر سفارش به نوشتن حدیث نقل شده است.(احمدی میانجی، 1998م، ج1، ص359) اگرچه پس از رحلت رسول خداﷺ عده‌ای با هدف محو آثار رسالت، کتابت حدیث را منع کردند[2]، حکم منع در آغاز سدۀ دوم هجری نقض گردید و همان منع نیز فراگیر نشد و بدین‌سان، جامعۀ اسلامی به سوی جمع‌آوری احادیث و تألیف کتاب روی آورد.(هاشمی بصری، 1410ق، ج2، ص295/ دارمی، 1349، ج1، ص126) از طرف دیگر، این ممنوعیت، سد راه کتابت معارف توسط امامان شیعه نشد و از آغاز دوران امامت، ائمه هدیعليه‌السلام به جمع‌آوری حدیث رسول خداﷺ و میراث معرفتی پرداختند و این میراث را از امامی به امام دیگر منتقل کردند.(کلینی، 1365، ج1، ص238)

به مرور زمان، این سیره در میان اصحاب ائمهعليهم‌السلام رواج یافت و در دوران صادقینعليهما‌السلام انتقال معارف از طریق کتابت به سیرۀ رایج در میان اصحاب بدل شد تا آنجا که راه نشر معارف، دستیابی به کتاب‌های اصحاب گردید[3] و برخی از کتاب‌های این دوره به اصول مشهور شد.(ابن شهرآشوب، 1380، ص3/ نیز برای آشنایی با تفاوت کتاب، اصل و تصنیف ر.ک: تستری، 1410ق، ج1، ص64)

پس از تثبیت فرهنگ کتابت و پیدایش اصول، اصحاب امامیه به سوی تألیف کتاب‌های موضوعی و نگارش جوامع حدیثی رفتند. پیشینۀ جامع‌نگاری را می‌توان در دوران امام صادقعليه‌السلام یافت. کتاب جامع ظریف بن ناصح در آن دوره نگاشته شده است. در دورۀ امام کاظمعليه‌السلام و امام رضاعليه‌السلام کتاب‌های جامع بیشتری نوشته شده و در دورۀ ائمۀ متأخرعليهم‌السلام رونق می‌یابد.(ر.ک: نجاشی، 1429ق، شماره‌های 553، 656 و 1208/ نیز ر.ک: حسینی جلالی، 1425ق، ص140)

با آغاز دورۀ غیبت، رویکرد اصحاب به جامع‌نگاری فزونی یافت و دانشمندان شیعه

به تصنیف میراث حدیثی شیعه همت گماشتند.[4] از مهم‌ترین آثار جامع بر جای مانده از دورهٔ غیبت صغری، کتاب ارزشمند *کافی*، تألیف ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی است. وی از دانشمندان برجستهٔ شیعه و عالمی شناخته شده در مجامع علمی است. نجاشی از او با عنوان شیخ اصحاب امامیه در ری و مورد وثوق‌ترین مردم و دقیق‌ترین ایشان در حدیث یاد می‌کند.(1429ق، شمارهٔ 1026) حتی سنّیان نیز از کلینی به بزرگی یاد کرده‌اند. ابن اثیر در وصف وی می‌نویسد: «کلینی، فقیه و پیشوا در مذهب اهل بیت عليهم‌السلام، دانشمند مذهب خود، بزرگ و برجسته و شناخته شده نزد شیعه است.(1412ق، ج2، ص895)

کافی، مهم‌ترین اثر کلینی به شمار می‌رود و نجاشی، مدت زمان تألیف آن را بیست سال می‌داند.(1429ق، شمارهٔ 1026) اهمیت *کافی* از آن جهت است که کلینی در تألیف آن، از اصول و تصانیف اولیهٔ شیعه بهره برده و واسطهٔ انتقال میراث دوران حضور به عصر غیبت است.

این نوشتار در پی بازشناسی آثاری است که کلینی در تدوین *کافی* از آن‌ها بهره جسته است. اهمیت این بازشناسی از آن روست که اصحاب امامیه کتاب‌های خویش را با بهره‌گیری از کتب اولیه اصحاب تألیف می‌کردند(ر.ک: شیخ صدوق، 1413ق، ج1، ص3/ شیخ طوسی، 1390ق، مشیخهٔ، ص304) و مهم‌ترین روش اعتبارسنجی حدیث از نگاه پیشینیان، وجود حدیث در اصول اولیه اصحاب اهل بیت عليهم‌السلام بود.(شیخ بهایی، 1414ق، ص27/ شیخ مفید، 1413ق [ب]، ص25)

این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دلایل تجلیل بزرگان از کتاب *کافی*(ر.ک: شیخ مفید، 1413 [الف]، ص70) اخذ از اصول و کتاب‌های مورد اعتماد بوده و اشکالاتی که در عصر حاضر به اسناد روایات این کتاب می‌شود، از نگاه قدما، موجب ضعف روایات آن نمی‌گردد[4] و رویکرد اعتبارسنجی حوزهٔ حله با روش قدما در تدوین احادیث هم‌خوانی ندارد.

در این باره، با بررسی سابقهٔ تألیف استادان کلینی یا نقش طریقی[5] استادان او به کتب سایر اصحاب، به منابع وی در تدوین کتاب *کافی* دست می‌یابیم. در حقیقت، اسناد کتاب *کافی* از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول طریقِ کلینی به کتابی است

که احادیث *کافی* از آن دریافت شده، و بخش دوم سند حدیث تا امام معصوم‌علیه‌السلام است. از نگاه قدما طریق به کتب اصحاب در اعتبارسنجی حدیث دخیل نبوده و فقط برای ایجاد اتقان در مسیر انتقال حدیث ذکر شده است.(شیخ طوسی، 1407ق، مشیخه، ص5) در نوشتار حاضر، با بررسی اسناد *کافی* و پی‌جویی آن در کتاب‌های فهرست، بخش طریقی سند بازشناسی شده و به منابعی که کلینی احادیث خود را از آن برداشت کرده، دست می‌یابیم.[6]

در این خصوص، با توجه به ابتدای اسناد روایات، استادان کلینی را شناسایی کرده و منابعی را که وی از طریق استادان خود به آن‌ها دست یافته، بازشناسی کرده‌ایم. ذکر این نکته لازم است که در این پژوهش، مهم‌ترین منابع کلینی مورد بازشناسی قرار گرفته، زیرا بازشناسی تمام منابع کلینی به سبب گستردگی کتاب، گستره‌ای بیش از یک مقاله می‌طلبد. با توجه به ابتدای اسناد کتاب، مشایخ وی به پنج گروه زیر قابل تقسیم‌اند:[7]

گروه اول: مشایخ رازی

ری از جمله شهرهای باستانی ایران به شمار می‌رود.(حموی، 1995م، ج3، ص116) موقعیت جغرافیایی این شهر به گونه‌ای است که در دوره‌های مختلف تاریخی، آباد بوده و به همین دلیل، حکومت‌ها را به سوی خود جلب کرده است. در سال 22 هجری، ری در مقابل سپاه اسلام تسلیم شد و به سرزمین‌های اسلامی پیوست.(ابن کثیر دمشقی، 1407ق، ج7، ص121) در قرن سوم، با هجرت حضرت عبدالعظیم حسنی(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 653) و دفن ایشان در این شهر و نیز مهاجرت سادات، زمینهٔ تشیع در آنجا فراهم آمد و عده‌ای از مردم این شهر به مذهب شیعه گرویدند.(جعفریان، 1390ش، ص233) در سال 275 ق با تسلط ماردانی بر ری، این شهر به منطقه‌ای شیعی تبدیل شد.(حموی، 1995م، ج3، ص121)

ری در دوره‌های مختلف، محل رشد و نمو دانشمندان و حضور عالمان بسیاری بوده است؛ از جمله دانشمندان این شهر می‌توان به زکریای رازی(ذهبی، 1413ق، ج23، ص426) فخر رازی(همان، ج43، ص212)، ابوالفتوح رازی(ابن بابویه، 1366ش، ص48) اشاره کرد. همچنین از حدیث‌پژوهان شیعه و سنی و اصحاب

ائمه(ع) افراد بسیاری در این شهر حضور داشته‌اند.(جعفریان، 1390ش، ص252) از آنجا که ری مهد ولادت کلینی بوده، اولین حوزهٔ تحصیلی وی به شمار می‌رود. مهم‌ترین استادان او در ری چهار نفرند:

1. علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی

نخستین استاد کلینی در ری که بیشترین حجم روایات رازی *کافی* به او اختصاص دارد، علی بن محمد کلینی، معروف به علان است. به نقل نجاشی، علان، دایی کلینی بوده است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 1026) تعداد روایات وی در *کافی* 504 حدیث است. علان، خود صاحب کتاب بوده که با توجه به عنوان کتاب وی[8] و روایات نقل شده از او در *کافی*، به نظر می‌رسد احادیث دو باب اشاره و نص بر امامت امام عسکری(ع) و حضرت ولی عصر(عج) از کتاب او اخذ شده است.(کلینی، 1365ش، ج1، ص325 و 328) اما در بیشتر موارد، وی نقش طریق به کتاب‌های دیگران را داشته است. در این میان، 199 روایات علان در *کافی* از سهل بن زیاد (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 490) و 70 روایت از صالح بن ابی حماد رازی دریافت شده است. سهل بن زیاد، صاحب کتاب *نوادر* بوده که از طریق علان به کلینی منتقل شده و در اختیار سایر مشایخ قرار گرفته است.(همان‌جا) صالح بن ابی حماد نیز دو کتاب با عنوان‌های *خطب أمیرالمؤمنین*(ع) و *النوادر* تألیف کرده است. بیشتر روایات ابن ابی حماد در کافی از امام باقر(ع)، امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) است که به نظر می‌رسد از کتاب *نوادر* او گرفته شده و علان طریق به کتاب اوست. از مجموع روایات علان، 392 مورد در بخش اصول آمده و غالب روایات او اعتقادی است.[9]

2. محمد بن حسن طائی رازی

دومین استاد پرروایت کلینی در ری، محمد بن حسن طائی رازی است. تعداد روایات او در *کافی* 122 مورد است. از این تعداد، وی واسطهٔ نقل 97 حدیث از سهل بن زیاد آدمی است. اگرچه برخی «محمد بن الحسن» در اسناد *کافی* را صفار دانسته‌اند، با بررسی سایر اسناد، مشخص می‌شود کلینی به واسطهٔ محمد بن یحیی العطار و احمد بن محمد عاصمی از صفار نقل حدیث می‌کند. از سوی دیگر، نجاشی در ترجمهٔ علی بن عباس جراذینی، واسطهٔ نقل کتاب جراذینی را مرحوم

کلینی از محمد بن حسن طائی رازی بیان کرده که خود قرینه‌ای بر نقل بی‌واسطه از طائی رازی است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 668 و بروجردی، 1409ق، ج1، ص52 و 349) کثرت نقل از سهل بن زیاد و یافت نشدن نام طائی در کتاب‌های فهرست، نشان می‌دهد که او نقش طریق به کتاب سهل بن زیاد را داشته و خود، صاحب کتاب نبوده است.

3. محمد بن أبی عبدالله جعفر أسدی کوفی

محمد بن جعفر اسدی، دیگر استاد کلینی است. نجاشی او را ساکن ری دانسته و در وصف وی نوشته: محمد بن جعفر، ثقه است و احادیثش صحیح بوده و کتابی با موضوع *جبر و اختیار* داشته است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 1020) شیخ طوسی، او را یکی از وکلای نائب امام عصر﷿ معرفی می‌کند.(شیخ طوسی، 1381، شمارهٔ 6278/ همو، 1425ق، ص413) تعداد روایات وی در *کافی* 82 مورد بوده که 55 حدیث از آن در بخش اصول آمده است، اما با توجه به موضوع کتاب وی و مضمون روایات نقل شده توسط او، به نظر نمی‌رسد این روایات از کتاب خود او باشد. بیشتر روایات او از اسحاق بن محمد بن احمد نخعی با 18 حدیث، سهل بن زیاد 17 حدیث و محمد بن اسماعیل برمکی با 13 حدیث است. در این میان، اسحاق بن محمد نخعی(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 177) و سهل بن زیاد متهم به تخلیط و غلو هستند و شاید از این روست که نجاشی، محمد بن جعفر اسدی را متهم به نقل از ضعفا کرده است.(همان، شمارهٔ 1020)

نام اسحاق بن محمد در 43 سند کتاب *کافی* درج گردیده که در 25 سند، واسطهٔ علان کلینی و در 18 سند، واسطهٔ اسدی است که در این میان، 14 روایت به طور مشترک نقل شده است. تمامی این روایات در باب «مولد ابی محمد الحسن بن علی﵇»(کلینی، 1365ش، ج1، ص503) قرار گرفته و به جز سند اول، 13 سند دیگر تعلیقی بوده و با نام اسحاق آغاز می‌شود. این قراین به خوبی نشان می‌دهد که این مجموعه از روایات، از کتاب اسحاق بن محمد به *کافی* راه یافته است.

به گزارش علامه حلی، محمد بن جعفر اسدی، طریق به روایات سهل بن زیاد است.(علامه حلی، 1411ق، ج1، ص272) نجاشی طریق خود به کتاب *التوحید* محمد

بن اسماعیل برمکی را به «محمد بن جعفر از محمد بن اسماعیل» می‌رساند.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 915) به نظر می‌رسد با توجه به اینکه از 13 روایت محمد بن اسماعیل 12 مورد در کتاب *التوحید کافی* قرار گرفته، کتاب وی نیز جزء منابع کلینی بوده و اسدی طریق به این کتاب است.

4. حسین بن حسن حسنی علوی هاشمی

شیخ طوسی در *رجال* خود از وی با عنوان «الحسین بن الحسن الحسنی» یاد می‌کند و او را اهل ری معرفی می‌کند(شیخ طوسی، 1381، شمارهٔ 6070) اما در دیگر کتاب‌های رجال، اطلاعی از وی در دست نیست. تعداد روایات او در *کافی* 9 مورد است. موضوع غالب روایات او اتفاقات تاریخی است.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که تعداد روایات سهل بن زیاد در *کافی* 1918 مورد بوده که حجم غالب روایات موجود در کافی از حوزهٔ حدیثی ری را در بر می‌گیرد. از این میان، تعداد 419 مورد از حسن بن محبوب، 343 مورد از احمد بن محمد بن ابی‌نصر، 105 مورد از جعفر بن محمد بن عبیدالله و 94 مورد از محمد بن حسن بن شمون اخذ شده که بیش‌ترین سهم را در روایات سهل داراست.

حسن بن محبوب، خود دارای کتاب بوده(الفهرست، شمارهٔ 162) و طریق به کتاب علی بن رئاب است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 657) احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نیز صاحب کتاب است و به طور مستقیم از امام رضا﷣ نقل حدیث می‌کند.(همان، شمارهٔ 180) جعفر بن محمد بن عبیدالله اشعری، طریق به کتاب عبدالله بن میمون قداح بوده(همان، شمارهٔ 557) و بیش از 99 درصد روایات خود در *کافی* را از عبدالله بن میمون گرفته است.

در *کافی* 93 سند به این صورت درج شده است: «عدهٔ من أصحابنا» عن «سهل بن زیاد» عن «جعفر بن محمد (بن عبیدالله) یا (الاشعری)» عن «(عبدالله بن میمون القداح) یا (ابن القداح)». یک مورد از این اسناد به واسطهٔ ابوعبیده حذاء و دو مورد به واسطهٔ میمون قداح به امام باقر﷣ می‌رسد. در 90 مورد دیگر، قداح خود از امام صادق﷣ نقل حدیث می‌کند. از این تعداد، 40 حدیث امام صادق﷣ از رسول اللهﷺ است. عبدالله بن میمون، کتابی با عنوان *مبعث النبی و اخباره*»(همان‌جا) نوشته که به نظر

می‌رسد این روایات از آن کتاب اخذ شده است.

محمد بن حسن بن شمون نیز راویات خود را از عبدالله بن عبدالرحمن بن اصم اخذ کرده که صاحب کتاب بوده است. نجاشی، محمد بن حسن و عبدالله بن عبدالرحمن را از غالیان می‌داند و در طریق به کتاب *نوادر* شمون می‌نویسد: احمد بن علی[10] تمام کتاب‌های او را جز آنچه دارای انحراف بوده، برای ما روایت کرده است. طریق احمد بن علی به واسطهٔ کلینی بوده است.(همان، شمارهٔ 899)

کلینی در مقدمهٔ *کافی* بر این نکته تأکید می‌کند که کتاب خویش را از آثار صحیح از صادقین علیهما السلام تألیف کرده است.(1365ش، ج1، ص8) شیخ طوسی با اشاره به عدم جواز عمل به اخبار افراد مورد اتهام و انحراف می‌نویسد: در صورت وجود دلیل بر صحت احادیث این‌گونه افراد، واجب است به احادیث ایشان عمل شود. سپس به وجه استثنای بزرگان اشاره می‌کند و دلیل استثنا را نیافتن قرینه بر صحت احادیث این افراد بیان می‌کند.(شیخ طوسی، 1417ق، ج1، ص151) این سخن، شاهدی است بر اینکه بزرگان ما وقتی حدیثی را از فرد متهمی نقل کرده، نسبت به صحت آن اطمینان یافته‌اند؛ بنابراین اگرچه سهل بن زیاد مورد اتهام است و تضعیف شده، نقل از او ضرری به جایگاه احادیث کتاب *کافی* وارد نمی‌کند، لذا بزرگان شیعه از این کتاب تجلیل و از کلینی به بزرگی یاد می‌کنند.

همچنین در نگاه قدما، اگر شخصی در آموزه‌های جمع‌آوری شده توسط او مورد اتهام باشد، می‌تواند در نقل کتاب سایر اصحاب مورد اعتماد باشد و محدثان، کتاب‌های دیگران را از او دریافت کنند؛ به عبارت دیگر، اگر شخصی، نقش انتقال روایات سایر اصحاب را بر عهده داشته باشد، تضعیف رجالیان نسبت به وی، اشکالی در پذیرش روایات سایران از او به وجود نمی‌آورد.(ر.ک: مجلسی، 1406ق، ج3، ص498/ مؤمن سبزواری، ج1، ص3)

در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین اشخاصی که کلینی از طریق استادان ری به کتب ایشان طریق دارد، 10 مؤلف‌اند.

گروه دوم: مشایخ قم

تاریخ‌نویسان، تشیع اهالی قم را مدیون خاندان اشعری می‌دانند. مالک بن عامر اشعری،

از یاران امیر مؤمنان علیه‌السلام در جنگ صفین بود(ر.ک: جعفریان، 1390ش، ص184/ عباسی، 1384ش، ص55) و فرزند او سائب بن مالک نیز از یاران مختار و جزء خون‌خواهان حضرت سید الشهدا علیه‌السلام است.(ر.ک: دینوری، 1368ش، ص307) این خود گواهی روشن بر تشیع خاندان اشعری است و از آنجا که اسلام آوردن اهل قم به دست این خاندان بوده، از ابتدا گرایش‌های شیعی در مردم قم بروز و ظهور می‌کند. البته در برخی از منابع تاریخی آمده که خاندان اشعری نیز در ابتدای ورود خود به قم برای حفظ جان خویش، تشیع خود را مخفی می‌داشتند(اشعری قمی، 1361ش، ص279) اما با تزلزل حکومت اموی و تلاش عباسیان برای به دست گرفتن حکومت با شعار الرضا من آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله(طبری، 1387، ج7، ص358/ أخبار الدولة العباسیه، 1391ق، ص194) زمینهٔ اظهار تشیع در مناطق مختلف حکومت اسلامی مهیا شد.

در چنین فضایی، قم مرکز شیعه در ایران شد و بسیاری از علویان که برای حفظ جان خود از عراق خارج و روانهٔ ایران می‌شدند، به قم و حوالی آن پناه بردند. هجرت حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نیز یکی از عوامل مهم سفر شیعیان و سادات به ایران گردید که در پی آن، ورود حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام به این شهر در سال 201 ق و ارتحال(اشعری قمی، 1361ش، ص 213) و دفن ایشان در قم، عاملی مهم در تبدیل قم به پایگاهی شیعی شد. کلینی در قم از استادان متعددی بهره جست. این گروه، اکثر مشایخ کلینی را تشکیل می‌دهند.

1. علی بن ابراهیم بن هاشم

مهم‌ترین استاد کلینی که بیش‌ترین حجم روایات *کافی* از او گرفته شده، علی بن ابراهیم است. تعداد روایات وی در *کافی* 5630 حدیث است. وی، فرزند ابراهیم بن هاشم است که نجاشی در وصف او می‌نویسد: یاران ما می‌گویند اولین کسی که احادیث کوفیان را در قم نشر داد، او بود.(1429ق، شمارهٔ 18) علی بن ابراهیم، بیش از 85 درصد روایات خویش را از پدرش اخذ کرده است.[11] ابراهیم بن هاشم، صاحب کتاب بوده و نیز طریق به کتاب ابن ابی عمیر(همان، شمارهٔ 887) و حسین بن یزید نوفلی(همان، شمارهٔ 77) است. همچنین از کتاب حریز بن عبدالله[12] به واسطهٔ حماد بن عیسی(همان، شمارهٔ 375) و از کتاب علی بن رئاب[13] به واسطهٔ حسن بن محبوب

(همان، شمارۀ 657) اخذ حدیث کرده است.[14] کثرت روایت او از ابـن ابـی عمیـر و حسین بن یزید، نشانگر آن است که وی در این روایات، طریق به کتاب آن دو بـوده است.

دیگر استاد پرروایت علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی بن عبید است. تعداد روایاتی که او از محمد بن عیسی اخذ کرده، 503 مورد است که از این تعـداد، بـیش از 440 مورد از یونس بن عبدالرحمن نقل شده که گواه بر نقش طریقـی محمـد بـن عیسـی نسبت به کتاب یونس است. اگرچه ابن ولید، منفردات محمد بن عیسی از کتاب یونس را استثنا کرده و به این واسطه، بی‌اعتمادی خود به او را روشن ساخته، اصحاب، ایـن سخن ابن ولید را نپذیرفته و از وی به بزرگی یاد کرده‌اند.[15]

از دیگر مشایخ علی بن ابراهیم، می‌توان به هارون بن مسلم بن سعدان که طریق به کتاب مسعدۀ بن صدقه بوده[16] و صالح بن السندی که بیش از 95 درصـد از روایـات خود را از جعفر بن بشیر گرفته، اشاره کرد. جعفر بن بشیر، شخصی زاهد و از مؤلفان شیعه بوده است.(همان، شمارۀ 304)

2. محمد بن یحیی عطار

محمد بن یحیی عطار، دومین استاد پرروایت کلینی است. تعداد روایات او در *کافی* 4842 عدد بوده که 25 درصد کتاب *کافی* را شامل می‌شود. از این میـان، 73 درصـد روایات او از احمد بن محمد بن عیسی اشعری اخذ شـده اسـت. احمـد بـن محمـد صاحب کتاب بوده و امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را ملاقات کرده است.(همان، شمارۀ 198) همچنین طریق به کتاب حسن بن محبوب(همان‌جا)، علـی بن الحکم(شیخ طوسی، بی‌تا، شمارۀ 376)، حسین بن سعید اهوازی(نجاشی، 1429ق، شمارۀ 136 و 137)، حسن بن علی بن فضال(همان، شمارۀ 72) و محمـد بـن سـنان (شیخ طوسی، بی‌تا، شمارۀ 620) است.

استاد دیگر عطار، محمد بن حسین بـن ابـی الخطـاب اسـت کـه در طریـق 460 روایت محمد بن یحیی واقع شده است. وی از اهالی کوفـه و صـاحب کتـاب بـوده است.(همان، شمارۀ 608) کتاب‌های *توحید*، *معرفت*، *بداء* و *امامت* از جمله تألیفـات او به شمار می‌رود.(نجاشـی، 1429ق، شـمارۀ 897) محمـد بـن حسـین، طریـق بـه

کتاب‌های صفوان بن یحیی (شمارهٔ 524)، محمد بن اسماعیل (شیخ طوسی، بی‌تا، شمارهٔ 706) و محمد بن سنان (همان، شمارهٔ 620) است و به واسطهٔ محمد بن عبدالله بن هلال، کتاب عقبهٔ بن خالد اسدی (شمارهٔ 533) را به دست محمد بن یحیی عطار رسانده است.

دیگر استاد پرروایت عطار، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری است. تعداد روایات عطار از او 216 حدیث است. وی صاحب کتاب *نوادر الحکمهٔ* است و عطار در طریق به کتاب او قرار دارد. (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 939) همچنین محمد بن احمد طریق به کتاب عمار بن موسی ساباطی[17] و کتاب یونس بن عبدالرحمن[18] است.

از دیگر استادان عطار، عبدالله بن محمد بن عیسی اشعری، ملقّب به بنان، برادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. (شیخ طوسی، 1348ش، ج2، ص799) تعداد روایات وی در *کافی* 93 حدیث است. از او در شمار صاحبان کتاب یاد نشده است. با توجه به اینکه اکثر روایات او در *کافی* با واسطهٔ علی بن حکم از ابان بن عثمان است و ابان در شمار نویسندگان قرار دارد (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 8)، به نظر می‌رسد وی طریق به کتاب ابان است.

سلمهٔ بن خطاب (همان، شمارهٔ 498)، عمرکی بن علی (همان، شمارهٔ 828) و عبدالله بن جعفر حمیری (شمارهٔ 573) از دیگر استادان صاحب کتاب محمد بن یحیی هستند. همچنین عطار 10 مکاتبه از امام عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند که اکثر آن‌ها، مکاتبات محمد بن حسن صفار با امام علیه‌السلام است. (کلینی، 1365، ج3، ص150، ح3؛ ج5، ص125، ح8، 181، ح3، 307، ح14؛ ج7، ص37، ح34، 45، ح2، 46، ح2و1، 394، ح3، 461، ح7)

3. حسین بن محمد بن عامر أشعری

دیگر استادِ قمیِ ثقهٔ الاسلام کلینی، حسین بن محمد بن عامر است. وی صاحب کتاب *نوادر* بوده و کلینی طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب او بوده است. (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 156/ شیخ طوسی، 1381، شمارهٔ 6106) تعداد روایات او در *کافی* 843 عدد بوده که از این تعداد 629 مورد از معلی بن محمد بصری اخذ شده است.

(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 1117) معلی بن محمد بیش از 71 درصد روایات خود را از حسن بن علی وشاء گرفته است. وشاء از صاحبان اصول بوده و طریق به کتاب ابان بن عثمان احمر است.(همان، شمارهٔ 80)

دیگر استاد حسین بن محمد، عموی او عبدالله بن عامر اشعری بوده که 74 حدیث از او اخذ شده و کتاب وی توسط حسین نقل شده است.(همان، شمارهٔ 570) عبدالله اشعری بیش از 85 درصد روایات خود را از علی بن مهزیار نقل می‌کند. این حجم فراوان می‌تواند نشانگر طریق بودن به کتاب ابن مهزیار باشد. از دیگر استادان حسین بن عامر می‌توان به احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری اشاره کرد.(همان، شمارهٔ 225)

4. احمد بن ادریس

لقب او اشعری قمی و کنیه‌اش ابوعلی است. تعداد روایات وی در *کافی* 823 حدیث است. شیخ طوسی و نجاشی از او با عنوان فقیه اصحاب، صحیح الروایهٔ و کثیر الحدیث یاد کرده‌اند.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 228/ شیخ طوسی، بی‌تا، شمارهٔ 81) وی بیش از 72 درصد روایات خود را از محمد بن عبدالجبار قمی اخذ کرده که 593 حدیث *کافی* است. شیخ طوسی از احمد بن ادریس در طریق به کتاب محمد بن عبدالجبار یاد می‌کند.(شیخ طوسی، بی‌تا، شمارهٔ 631)

استاد دیگر احمد بن ادریس، حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره بوده که تعداد احادیث احمد از او 64 مورد است. وی اهل کوفه بوده و صاحب کتاب *نوادر* است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 147) محمد بن حسان رازی(همان، شمارهٔ 903) با 51 حدیث، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری(همان، شمارهٔ 939) با 42 حدیث، محمد بن سالم[19] با 35 حدیث و احمد بن محمد بن عیسی اشعری(همان، شمارهٔ 198) با 15 حدیث، دیگر استادان احمد بن ادریس به شمار می‌روند که تمامی ایشان، مگر محمد بن سالم از مصنّفان شیعه‌اند. محمد بن سالم نیز روایات خود را از احمد بن نضر خزاز گرفته که صاحب کتاب بوده و مورد توثیق قرار گرفته است.(همان، شمارهٔ 244) بیشتر روایات احمد بن نضر از عمرو بن شمر اخذ شده که طریق به احادیث جابر بن یزید جعفی است.(همان، شماره‌های332 و 765)

5. علی بن محمد بن بندار

نام او علی بن محمد بن عبدالله برقی است.(درایتی، 1429ق، ص5) پدرش معروف به ماجیلویه و جد او ملقّب به بندار بود.(نجاشی، 1429ق، شماره‌های 683 و 947) تعداد روایات وی در *کافی* 188 حدیث است. علی بن محمد، نوهٔ دختری احمد بن محمد بن خالد برقی بوده و 124 عدد از احادیث خود را از احمد بن محمد اخذ کرده است. برقی از مصنّفان پرکار شیعه بوده و مجموعهٔ *المحاسن* وی دربردارندهٔ 90 کتاب است.(همان، شمارهٔ 182)

دیگر استاد علی بن محمد، ابراهیم بن اسحاق احمری است. تعداد 40 روایت علی بن محمد از او اخذ شده است. نجاشی و شیخ طوسی، ابراهیم احمری را ضعیف در حدیث دانسته‌اند، اما شیخ طوسی کتاب‌های او را نسبتاً خوب دانسته است.(همان، شمارهٔ 21/ شیخ طوسی، بی‌تا، شمارهٔ 9)

6. عبدالله بن جعفر حمیری

دیگر استاد قمی کلینی، عبدالله بن جعفر حمیری است. تعداد روایات وی در *کافی* 49 حدیث بوده که تنها نُه مورد از آن مستقیم از حمیری اخذ شده و سایر احادیث به واسطهٔ محمد بن یحیی عطار و محمد بن عبدالله که فرزند حمیری بوده نقل شده است. خصوصیت این گروه از روایات که به صورت مستقیم از او اخذ شده، این است که کلینی آن‌ها را به واسطهٔ سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری از ابراهیم بن مهزیار نقل می‌شود. با توجه به موضوع این روایات که در ولادت یا شهادت ائمه علیهم‌السلام وارد شده، به نظر می‌رسد این روایات از کتاب *البشارات* ابراهیم بن مهزیار اخذ شده است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 17)

7. سعد بن عبدالله اشعری

نجاشی از او به بزرگی یاد کرده و او را بزرگ، فقیه و آبروی شیعه دانسته است. وی صاحب تألیفات بسیار بوده و برای جمع‌آوری احادیث، مسافرت‌های زیادی داشته است. همچنین احادیث بسیاری از اهل سنت شنیده است.(همان، شمارهٔ 467) تعداد روایات وی در *کافی* 27 حدیث است که از این تعداد، 14 حدیث به واسطهٔ محمد بن

یحیی عطار، یک حدیث به واسطهٔ علان کلینی و 12 حدیث بدون واسطه از او نقل شده است.

چنان‌که بیان شد، خصوصیت احادیث بدون واسطهٔ کلینی از سعد در این است که موضوع این روایات، ولادت و شهادت ائمه علیهم‌السلام است.(کلینی، 1365، ج1، ص457، ح10 و 458، ح11 و 461، ح2 و 463، ح1 و 468، ح6، 472 و 475، ح7، 8 و 486، ح9 و 491، ح11 و 497، ح12) سعد بن عبدالله، غالب این احادیث را از ابراهیم بن مهزیار اخذ کرده و ابراهیم، مؤلف کتابی با عنوان *البشارات* بوده است. طریق دیگر کلینی به احادیث ابراهیم بن مهزیار، عبدالله بن جعفر حمیری است.

8. محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری

وی فرزند عبدالله بن جعفر حمیری است. تعداد روایات او در *کافی* 10 عدد بوده که تمام آن را از پدر خود نقل می‌کند.(همان، ج1، ص329، ح1 و 527، ح3؛ ج3، ص552، ح7؛ ج4، ص174، ح24؛ ج5، ص563، ح31؛ ج6، ص35، ح3 و ص358، ح6؛ ج7، ص114، ح10) محمد از مؤلفان به شمار می‌رود و به گفتهٔ نجاشی، نامه‌هایی به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نوشته است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 949)

9. محمد بن احمد بن علی بن صلت اشعری

وی برادرزادهٔ عبدالله بن صلت قمی و راوی از اوست. تعداد روایات برگرفته از محمد در *کافی* 10 حدیث بوده که همهٔ آن‌ها را از عموی خویش نقل می‌کند. عبدالله بن صلت قمی، نویسندهٔ کتاب تفسیر بوده است.(همان، شمارهٔ 564) از 10 حدیث نقل شده از او توسط محمد بن احمد، 8 مورد در تفسیر آیات، یک مورد در زمینهٔ تلاوت سورهٔ واقعه توسط امام و یک مورد با موضوع خوف و رجا است که به نظر می‌رسد، تمامی این احادیث از کتاب او برگرفته شده است.

مجموع مؤلفانی که کلینی به واسطهٔ استادان قم از آثار ایشان بهره برده، 47 نفرند.

گروه سوم: مشایخ کوفه و بغداد

سرزمین عراق در سال 12 هجری توسط لشکر اسلام فتح شد.(طبری، 1387، ج3، ص343) کوفه از جمله شهرهایی است که در پی فتوحات اسلامی بنا گردید.(حموی، 1995م، ج4، ص491) بغداد نیز منطقه‌ای خوش آب و هوا بود که در زمان عباسیان به

شهر و پایتخت اسلامی بدل شد.(همان، ج1، ص457/ بلاذری، 1988م، ص270) سرزمین عراق به دلیل مرکزیت حکومت امیر مؤمنان علیه السلام و شهادت و تدفین امام حسین علیه السلام در آن، منطقه‌ای شیعی شد. مسافرت‌های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به نجف، کوفه و کربلا(ثقفی، 1395ق، ج2، ص851/ ابن طاوس، بی‌تا، ص51)، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حصر امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در بغداد و سامرا موجب تمرکز جامعهٔ شیعه در این سرزمین گردید.(جعفریان، 1390ش، ص103) بسیاری از میراث اولیه حدیثی شیعه توسط اصحاب اهل کوفه تدوین شده است.(شفیعی، 1389ش، ص221) از آنجا که اکثر راویان این گروه از مشایخ کلینی، اهل کوفه بوده و به بغداد نیز مسافرت داشته و یا ساکن بغداد بوده‌اند، بحث از این مشایخ در یک گروه ارائه می‌گردد.

1. حمید بن زیاد کوفی

وی اهل کوفه بوده و در نینوا ساکن شده است. نجاشی، 11 عنوان کتاب برای او ذکر کرده و تاریخ وفات وی را سال 310 هجری بیان کرده است.(1429ق، شمارهٔ 339) تعداد روایات وی در *کافی* 435 حدیث بوده که از این تعداد، 396 مورد از حسن بن محمد بن سماعه، 19 مورد از عبیدالله بن احمد بن نهیک که صاحب کتاب *نوادر* بوده(همان، شمارهٔ 615) و 14 مورد، از حسن بن موسی خشاب اخذ شده است. نجاشی، حسن بن محمد بن سماعه را واقفی و متعصب در وقف معرفی کرده، اما او را ثقه و کثیر الحدیث دانسته است.(همان، شمارهٔ 84) حسن بن موسی خشاب نیز از بزرگان اصحاب بوده و دو کتاب *نوادر* و *رد بر واقفه* تألیف کرده است.(همان، شمارهٔ 85)

2. احمد بن محمد عاصمی

اصل او کوفی بوده و از مشایخ آن شهر سماع حدیث کرده و سپس به بغداد رفته است.(همان، شمارهٔ 232) تعداد روایات وی در *کافی* 136 حدیث است که 75 حدیث را از علی بن حسن بن فضال دریافت کرده است. نجاشی از علی بن حسن بن فضال با عنوان فقیه اصحاب کوفه یاد کرده و به 35 عنوان کتاب او اشاره کرده است.(همان، شمارهٔ 676) راوی دیگری که احمد بن محمد از او اخذ حدیث کرده،

محمد بن حسن صفار است. مجموع روایاتی که به واسطهٔ احمد بن محمد عاصمی در *کافی* از صفار نقل شده، 25 حدیث بوده که 20 مورد از آن در بصائر هم موجود است. این مطلب می‌تواند قرینه‌ای بر واسطه بودن احمد بن محمد عاصمی در نقل کتاب *بصائر* باشد.[20]

3. محمد بن جعفر رزاز کوفی

نام وی در کتاب‌های رجالی در میان مؤلفان ذکر نشده و به نظر می‌رسد فقط نقش طریق به کتاب‌های دیگران را دارد.[21] کلینی از او با عنوان رزاز کوفی یاد می‌کند. (1365، ج4، ص578، ح3) تعداد روایات وی در *کافی* 57 حدیث بوده که 32 مورد آن از ایوب بن نوح بن دراج و 15 مورد از محمد بن عیسی بن عبید اخذ شده است. ایوب بن نوح از مؤلفان و وکیل امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 254) محمد بن عیسی نیز صاحب کتاب و از بزرگان اصحاب به شمار می‌رود.(همان، شمارهٔ 896)

4. حسین بن احمد بن عبدالله مالکی اسدی

وی در بغداد نقل حدیث کرده است.(خطیب بغدادی، 1986م، ج8، ص4، ش4034) به نظر می‌رسد، حسین بن احمد خود صاحب کتاب نبوده، زیرا در زمرهٔ مؤلفان از او یاد نشده است. روایات او در *کافی* 6 عدد بوده که از این تعداد، چهار روایت از احمد بن هلال کرخی عبرتایی اخذ شده که صاحب کتاب *نوادر* است. (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 199)

5. احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده

احمد بن محمد از اهالی کوفه بوده و به بغداد سفرهایی داشته است. اگرچه مذهب او زیدی جارودی بوده، به گفتهٔ نجاشی در حدیث امانتدار است.(همان، شمارهٔ 233) تعداد روایات وی در *کافی* 5 حدیث است که همهٔ این روایات از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل گردیده است. وی کتابی با عنوان *ما روی عن امیرالمؤمنین* علیه‌السلام تألیف کرده که به نظر می‌رسد این روایات از آن کتاب گرفته شده است.

6. محمد بن علی بن معمر کوفی

دیگر استاد کوفیِ کلینی که در واسط هم بوده، محمد بن علی بن معمر است. شیخ

طوسی به نقل از ابن ندیم، کتابی با عنوان *قرب الاسناد* را به وی نسبت می‌دهد.(شیخ طوسی، بی‌تا، شمارهٔ 873) تعداد روایات وی در *کافی* 3 حدیث است.

7. حبیب بن حسن کوفی[22]

از او اطلاع دقیقی در کتاب‌های رجالی یافت نشد. تعداد روایات وی در *کافی* 3 حدیث بوده که موضوع تمام آن‌ها حدود شرعی است.(کلینی، 1365، ج7، ص229، ح4 و 5، ص260، ح2) دو روایت او از محمد بن عبدالحمید عطار(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 906) و یک روایت از محمد بن ولید بجلی خزاز(همان، شمارهٔ 931) اخذ شده که هر دوی ایشان صاحب کتاب *نوادر* بوده‌اند.

8. علی بن ابراهیم علوی جوانی هاشمی

دیگر استاد عراقی کلینی که ساکن و متوفای کوفه(العلوی العمری، 1409ق، ص196) بوده، علی بن ابراهیم علوی است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 687) تعداد روایات او در *کافی*، 2 حدیث از حضرت رضا(ع) است.

تعداد مؤلفان این گروه که کلینی از آثار ایشان در تدوین *کافی* بهره برده، سیزده نفر است.

گروه چهارم: مشایخ سایر حوزه‌ها

این گروه از مشایخ کلینی افرادی هستند که انتسابشان به یک منطقه مشخص است، اما معلوم نیست کلینی در کجا ایشان را ملاقات، و اخذ حدیث کرده است. این عده از اهالی شهرهای آذربایجان، نیشابور، قزوین و دِینَوَر[23] هستند. در این میان، تعداد روایاتی که کلینی از شیخ نیشابوری خود اخذ کرده، مورد اعتناست.

1. محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری

او راوی احادیث فضل بن شاذان نیشابوری است. تعداد روایات او در *کافی* 575 عدد بوده که در تمامی این روایات، واسطهٔ بین کلینی و فضل بن شاذان است. غالب روایات فضل بن شاذان در *کافی* از ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و حماد بن عیسی اخذ شده که هر سه از مؤلفان کتب شیعه به شمار می‌روند. فضل نیز از افرادی است که دارای تألیفات بسیاری بوده و به گفتهٔ کنجی 180 کتاب تألیف کرده است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 840)

2. حسن بن علی علوی هاشمی دینوری

کلینی از او نُه روایت بدون واسطه و یک روایت به واسطه محمد بن یحیی عطار نقل می‌کند. در کتاب‌های رجالی، اطلاعی از او درج نگردیده است. دینور از توابع شهر کرمانشاه است که در دورهٔ کنونی نام آن به میانراهان تغییر یافته است.

3. قاسم بن علاء

وی اهل آذربایجان و وکیل امام عصر﴿عج﴾ بوده است.(شیخ طوسی، 1425ق، ص276/ قطب‌الدین راوندی، 1409ق، ج1، ص 466/ شیخ صدوق، 1395ق، ج2، ص442) شیخ طوسی از او با جلالت قدر یاد کرده و او را اهل همدان معرفی کرده است.(شیخ طوسی، 1381، شمارهٔ 6243) تعداد روایات وی در *کافی*، دو حدیث است.

4. محمد بن محمود ابو عبدالله قزوینی

از وی اطلاعی در کتاب‌های رجالی یافت نشد. تعداد روایات او در *کافی* دو حدیث است.[24] با بررسی تعداد روایات این گروه از استادان کلینی مشخص می‌شود تعداد 588 حدیث کتاب کافی از ایشان دریافت شده که از آثار چهار مؤلف دریافت گردیده است.

با تکیه بر گزارش ابن عساکر، محمد بن احمد خفاف نیشابوری و محمد بن علی جعفری سمرقندی از مشایخ دیگر شرقی کلینی هستند که در کتب موجود، روایت کلینی از آن‌ها یافت نشد.(ابن عساکر، 1418ق، ج56، ص297، ش7126)

گروه پنجم: مشایخی که محل سکونتشان معلوم نیست.

این گروه از مشایخ کلینی افرادی‌اند که کمترین اطلاعات در مورد ایشان در کتاب‌های رجالی و تاریخی درج شده است.

1. احمد بن مهران

مجموع احادیث او در *کافی*، 75 حدیث بوده که از این تعداد، 55 حدیث از محمد بن علی ابوسمینه و 18 حدیث از عبدالعظیم حسنی است. ابو سمینه از مؤلفان است، اما به جرم غلو توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری از قم اخراج شد. (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 894) دلیل این برخورد احمد اشعری می‌تواند فراوانیِ

دریافت حدیث از افراد متهم به غلو باشد، زیرا وی بیشتر روایات خود را از مفضل بن صالح (همان، شمارۀ 332)، محمد بن الفضیل (شیخ طوسی، 1381، شمارۀ 5124 و 5422) و محمد بن سنان (نجاشی، 1429ق، شمارۀ 888) دریافت کرده که هر سه ایشان متهم به غلوّند. جناب عبدالعظیم حسنی نیز صاحب کتاب بوده است. تمامی روایات احمد بن مهران از حضرت عبدالعظیم در *کافی* با موضوع قرائت و تفسیر آیات *قرآن کریم* است.

2. ابو داود

وی از حسین بن سعید اهوازی متوفای در قم (همان، شمارۀ 137/ شیخ طوسی، بی‌تا، شمارۀ 230) بسیار روایت می‌کند و گویا در قم می‌زیسته است. تعداد روایات او در *کافی*، 20 حدیث بوده که 19 مورد آن از حسین بن سعید اخذ شده که احتمال طریق بودن وی به کتاب حسین بن سعید را تقویت می‌کند.

مجموع روایات این گروه 95 حدیث است و مؤلفان این گروه سه نفرند.

نتیجه‌گیری

1. با بررسی اسناد کتاب *کافی*، این نکته آشکار می‌شود که کلینی کتاب خود را با مراجعه به اصول اصحاب ائمه علیهم‌السلام و کتاب‌های مصنّفان مشهور شیعه تدوین کرده است و اسناد روایات، طریق به کتاب‌های اصحاب است.

2. مهم‌ترین آثار مورد استفادۀ کلینی در حوزۀ حدیثی ری از 10 مؤلف، در قم از 47 مؤلف، در عراق از 13 مؤلف و در سایر حوزه‌هایی که انتساب مؤلف به آن حوزه مشخص است از 4 مؤلف است. همچنین از تألیفات 3 مؤلف نیز استفاده شده که حوزۀ حدیثی ایشان مشخص نیست. در این میان، کلینی آثار برخی از مؤلفان را از حوزه‌های مختلف حدیثی دریافت کرده است، لذا مجموع مهم‌ترین مؤلفانی که از کتب ایشان اخذ حدیث کرده، 63 نفر است.

3. نویسندگانی که کلینی از آثار ایشان بهره برده، عبارت‌اند از:

ابان بن عثمان؛ ابراهیم بن اسحاق؛ ابراهیم بن مهزیار؛ ابراهیم بن هاشم؛ احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛ احمد بن محمد بن خالد برقی؛ احمد بن محمد بن سعید

ابن عقده؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری؛ احمد بن هلال کرخی؛ اسحاق بن محمد بن احمد نخعی؛ ایوب بن نوح بن دراج؛ جابر بن یزید جعفی؛ جعفر بن بشیر؛ حریز بن عبدالله سجستانی؛ حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره؛ حسن بن علی بن فضال؛ حسن بن علی وشاء؛ حسن بن محبوب؛ حسن بن محمد بن سماعه؛ حسن بن موسی خشاب؛ حسین بن سعید اهوازی؛ حسین بن محمد بن عامر؛ حسین بن یزید نوفلی؛ حماد بن عیسی؛ حمید بن زیاد کوفی؛ سعد بن عبدالله اشعری؛ سلمهٔ بن خطاب؛ سهل بن زیاد؛ صالح بن ابی حماد؛ صفوان بن یحیی؛ عبدالعظیم بن عبدالله حسنی؛ عبدالله بن جعفر حمیری؛ عبدالله بن صلت قمی؛ عبدالله بن عامر؛ عبدالله بن عبدالرحمن بن اصم؛ عبدالله بن میمون قداح؛ عبیدالله بن احمد بن نهیک؛ علی بن ابراهیم بن هاشم؛ علی بن حسن بن فضال؛ علی بن حکم؛ علی بن رئاب؛ علی بن محمد بن ابان رازی؛ علی بن مهزیار؛ عمار بن موسی ساباطی؛ عمرکی بن علی؛ فضل بن شاذان نیشابوری؛ محمد بن ابی عمیر؛ محمد بن احمد بن یحیی بن عمران؛ محمد بن اسماعیل البرمکی؛ محمد بن اسماعیل بن بزیع؛ محمد بن حسان رازی؛ محمد بن حسن بن صفار؛ محمد بن حسین بن ابی الخطاب؛ محمد بن سنان؛ محمد بن عبدالجبار؛ محمد بن عبدالحمید عطار؛ محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری؛ محمد بن علی ابوسمینه؛ محمد بن علی بن معمر کوفی؛ محمد بن عیسی بن عبید؛ محمد بن ولید بجلی؛ مسعدهٔ بن صدقه؛ یونس بن عبدالرحمن.

کتاب‌هایی که به صورت مشخص می‌توان از آن‌ها به عنوان منابع کلینی در تدوین *کافی* یاد کرد عبارت‌اند از:

*اخبار القائم*علیه‌السلام از علان کلینی؛ *البشارات* ابراهیم بن مهزیار؛ خطب *امیر المؤمنین*علیه‌السلام از صالح بن ابی حماد؛ کتاب ابان بن عثمان؛ کتاب *التفسیر* عبدالله بن صلت قمی؛ کتاب *التوحید* محمد بن اسماعیل برمکی؛ کتاب *الصلاهٔ* حریز بن عبدالله سجستانی؛ کتاب *خطب امیرالمؤمنین*علیه‌السلام از مسعدهٔ بن صدقهٔ؛ کتاب *دیات* علی بن رئاب؛ کتاب عبدالله بن عامر اشعری؛ کتاب عمار بن موسی ساباطی؛ کتاب *ما روی عن امیرالمؤمنین*علیه‌السلام از ابن عقدهٔ؛ کتاب مبعث *النبی*صلی‌الله‌علیه‌وآله *و اخباره*؛ کتاب *نوادر الحکمهٔ* محمد بن احمد بن یحیی اشعری؛ کتاب *نوادر* حسین بن محمد بن عامر؛ کتاب *وصیت و امامت* علی بن رئابغ

المحاسن احمد بن محمد بن خالد؛ *نوادر* احمد بن هلال کرخی؛ *نوادر* حریز بن عبدالله سجستانی؛ *نوادر* حسن بن موسی خشاب؛ *نوادر* سهل بن زیاد؛ *نوادر* صالح بن ابی حماد؛ *نوادر* عبیدالله بن احمد بن نهیک؛ *نوادر* محمد بن حسن شمون.

4. این پژوهش بر این نکته تأکید می‌کند که در اعتبارسنجی روایات، منبع‌شناسی تألیفات حدیثی لازم است و در سیرهٔ قدما، پذیرش یا ردّ کتاب‌های حدیثی مبتنی بر اعتبار منابع آن کتاب‌ها بوده است. از این روست که کتاب *کافی* نزد پیشینیان از اعتبار و جایگاه والایی برخوردار است و مرجع سایر نگاشته‌های پس از خود می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

[1]. ر.ک: کلینی، 1365، ج1، ص227 باب «ان الائمه علیهم السلام عندهم جمیع الکتب التی نزلت من عند الله عزوجل و انهم یعرفونها علی اختلاف السنتها».

2. برای آگاهی از علل و انگیزه‌های جعل حدیث ر.ک: مهدوی‌راد، 1388ش، ص216.

3. کشّی در گزارشی از امام صادق علیه السلام عملکرد مغیرهٔ بن سعید را چنین توصیف می‌کند: «مغیرهٔ بن سعید بر پدرم دروغ بست. او به واسطهٔ یاران پنهانی خویش، کتاب‌های اصحاب پدرم را از ایشان می‌گرفت و در آن به صورت مخفیانه، مطالب کفرآمیز می‌افزود و به پدرم نسبت می‌داد. سپس آن کتاب‌ها را به یاران خویش بازمی‌گرداند و به ایشان دستور می‌داد آن‌ها را در میان شیعه رواج دهند.(شیخ طوسی، 1348ش، ج1، ص225) این روایت نشان می‌دهد که نشر معارف در این دوره از طریق کتاب رواج داشته و مغیره نیز برای ایجاد انحراف، به سمت روش رایج رفته و مطالب خود را از آن طریق نشر داد.

4. شیخ مفید در ردّ روایاتی که ماه رمضان را همیشه 30 روز معرفی می‌کند، اشکال سندی کرده و از این طریق، روایات را طرد می‌کند، اما در مورد کافی با اینکه همان افراد در طریق روایات قرار دارند، از آن به بزرگی یاد می‌کند.(ر.ک: شیخ مفید، 1413ق [ب]، ص20 و 22)

[5]. منظور از طریق، افرادی هستند که کتاب یک مؤلف به وسیلهٔ ایشان در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. نمونه‌ای از طریق به کتاب، در *رجال* نجاشی چنین است: «و قرأت أنا کتاب الصیام علیه فی مشهد العتیقهٔ عن ابن الزبیر عن علی بن الحسن و أخبرنا بسائر کتب ابن فضال بهذا الطریق. و أخبرنا محمد بن جعفر فی آخرین عن أحمد بن محمد بن سعید عن علی بن الحسن بکتبه.» (نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 676)

6. برای آشنایی با این روش ر.ک: عمادی حائری، 1388ش، مقالهٔ «منابع نعمانی در غیبت» از سید محمد جواد شبیری زنجانی.

7. این تقسیم توسط جناب حجت الاسلام سید محمد جواد شبیری زنجانی ارائه شده است.(ر.ک: نرم‌افزار درایهٔ النور، بخش «درباره درایهٔ النور»)

8. عنوان کتاب علان، *کتاب اخبار القائم*عليه‌السلام است.(نجاشی، 1429ق، شمارهٔ 682)

9. تعداد 99 مورد از این روایات به واسطهٔ سهل بن زیاد است.

10. ابوالعباس احمد بن علی بن نوح استاد نجاشی.(ر.ک: همان، شمارهٔ 1050)

11. مجموع روایات علی بن ابراهیم از پدرش 4819 مورد است.

12. حریز عبدالله مؤلف *کتاب الصلاهٔ* و *کتاب النوادر* است.(همان، شمارهٔ 375) با توجه به مضمون روایات وی در *کافی* می‌توان گفت هر دو کتاب منبع کلینی در *کافی* بوده است.

13. تعداد روایات وی در *کتاب الحجهٔ*، 21 حدیث و در کتاب *الدیات*، 26 حدیث است. عنوان کتاب‌های او عبارت‌اند از: *کتاب الوصیهٔ و الامامهٔ*» و *کتاب الدیات*.(همان، شمارهٔ 657)

14. تعداد احادیث ابراهیم بن هاشم از حماد بن عیسی، 567 عدد و از حسن بن محبوب، 657 عدد است.

15. «و ذکر أبو جعفر بن بابویه عن ابن الولید أنه قال: ما تفرد به محمد بن عیسی من کتب یونس و حدیثه لا یعتمد علیه. و رأیت أصحابنا ینکرون هذا القول و یقولون: من مثل أبی جعفر محمد بن عیسی.»(ر.ک: همان، شمارهٔ 896)

16. عنوان کتاب وی، *خطب امیرالمؤمنین*عليه‌السلام است.(همان، شمارهٔ 1108)

17. وی، کتاب عمار را از طریق احمد بن حسن بن علی بن فضال از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه اخذ کرده است.(ر.ک: شیخ طوسی، بی‌تا، شمارهٔ 527)

18. وی کتاب یونس را از طریق محمد بن عیسی بن عبید نقل می‌کند. محمد بن عیسی در طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب یونس نیز واقع شده است.(ر.ک: همان، شمارهٔ 813/ نجاشی، 1429ق، شماره‌های 896 و 1208)

19. هیچ اطلاعی از او در کتاب‌های حدیثی درج نشده است.

20. در گفت‌وگویی با حضرت آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی ایشان گفتند: «این کثرت نمی‌تواند به صورت اتفاقی باشد و دلالت بر واسطه بودن احمد بن محمد عاصمی در نقل *بصائر* می‌نماید.»

21. نجاشی در 19 طریق خود به کتاب‌های اصحاب از او یاد می‌کند.(ر.ک: 1429ق، شماره‌های 394، 418، 427، 613، 622، 631، 635، 896، 939، 964، 975، 1005، 1089، 1128، 1140، 1143، 1205)

22. قطب راوندی و شیخ صدوق در اسناد خود از او با عنوان کوفی یاد کرده‌اند.(ر.ک: قطب‌الدین راوندی، 1368ش، ص313/ شیخ صدوق، 1386ش، ج2، ص524)

23. میانراهان استان کرمانشاه

24. ظاهر عبارت *کافی*، نقل روایت از وی در غیر قزوین است: «وَ حَدَّثَنِي بِهِ محمد بْنُ مَحْمُودٍ أَبُو عَبْدِاللهِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ جَعْفَرُ بْنُ محمد الصَّيْقَلِ بِقَزْوِينَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ.»(ر.ک: کلینی، 1365، ج1، ص49، ح5)

منابع

1. ابن اثیر الجزری، المبارک بن محمد، *تتمه جامع الاصول فی احادیث الرسول*، تحقیق بشیر محمد عیون، بیروت: دارالفکر، 1412ق.

2. ابن بابویه، منتجب‌الدین، *الفهرست*، تحقیق سید جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1366ش.

3. ابن شهرآشوب، رشیدالدین محمد بن علی، *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین قدیما و حدیثا*، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه، 1380ق.

4. ابن طاوس، عبدالکریم بن احمد، *فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن أبی‌طالب علیه‌السلام فی النجف*، قم: منشورات الرضی، بی‌تا.

5. ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، 1418ق.

6. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالفکر، 1407ق.

7. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، قم: دارالحدیث، 1998م.

8. اشعری قمی، حسن بن محمد بن حسن، *تاریخ قم*، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس، 1361ش.

9. بروجردی، محمدحسین، *تجرید اسانید الکافی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1409ق.

10. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبة الهلال، 1988م.

11. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: دفتر نشر اسلامی، 1410ق.

12. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، تحقیق جلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، 1395ق.

13. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران*، تهران: علم، 1390ق.

14. حبیب العمیدی، ثامر هاشم، *الشیخ الکلینی البغدادی و کتابه الکافی*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1414ق.

15. حسینی جلالی، محمدحسین، *درایة الحدیث*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1425ق.

16. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، 1995م.

17. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1986م.

18. دارمی، عبدالله بن بهرام، *السنن*، دمشق: باب البرید، 1349ق.

19. درایتی، محمدحسین، *مقدمه کافی*، قم: دار الحدیث، 1429ق.

20. دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، 1368ش.

21. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، 1413ق.

22. شفیعی، سعید، مکتب *حدیثی شیعه در کوفه*، قم: دارالحدیث، 1389ش.

23. شیخ بهایی، محمد بن حسین، *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، 1414ق.

24. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *علل الشرایع*، قم: مکتبة الداوری، 1386ق.

25. ــــــــــــ، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیه، 1395ق.

26. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، 1348ش.

27. ــــــــــــ، *الرجال*، نجف: حیدریه، 1381ق.

28. ــــــــــــ، *العدة فی اصول الفقه*، قم: چاپخانه ستاره، 1417ق.

29. ــــــــــــ، *الفهرست*، نجف: المکتبة المرتضویه، بی‌تا.

30. ــــــــــــ ، *الغیبة*، تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1425ق.

31. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الرد علی اصحاب العدد*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413ق [ب].

32. ــــــــــــ ، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413ق [الف].

33. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، 1387ق.

34. عباسی، غلامعلی، *قم در عصر حضور ائمه علیهم السلام و غیبت صغری*، قم: زائر، 1384ش.

35. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، قم: دارالذخائر، 1411ق.

36. العلوی العمری، علی بن محمد، *مجدی فی انساب الطالبیین*، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1409ق.

37. عمادی حائری، سید محمد، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1388ش.

38. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1409ق.

39. ــــــــــــ ، *قصص الانبیا*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1368ش.

40. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1365.

41. مجلسی، محمدتقی، *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسهٔ فرهنگی اسلامی کوشانبور، 1406ق.

42. معرفت، محمد هادی، *تلخیص التمهید*، قم: ذوی القربی، 1429ق.

43. مهدوی راد، محمدعلی، *تدوین الحدیث عند الشیعة الامامیه*، تهران: هستی‌نما، 1388ش.

44. مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد، *ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد*، نرم‌افزار کتابخانه نور- جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه1/2.

45. نامعلوم، *أخبار الدولة العباسیة*، بیروت: دار الطلیعه، 1391ق.

46. نجاشی، احمد بن علی بن احمد، *فهرس اسماء مصنفی الشیعهٔ*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: جامعهٔ مدرسین، 1429ق.

47. نیومن، اندروجی، *دورهٔ شکل‌گیری تشیع دوازده امامی*، قم: شیعه‌شناسی، 1386ش.

48. هاشمی بصری، محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1410ق.